



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

مروری بر مفهوم و جایگاه یادگیری مادام العمر در مدارس ابتدایی

اسماعیل مولائی قوشه بلاغ

کارشناسی روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور بوبین زهرا

چکیده

در دنیای امروز که با تغییرات سریع و مداوم روبرو هستیم، یادگیری مادام العمر به عنوان یک ضرورت انکار ناپذیر برای همه افراد، به ویژه دانش آموزان مدارس ابتدایی مطرح می شود. این مقاله به بررسی مفهوم و جایگاه یادگیری مادام العمر در مدارس ابتدایی می پردازد. با وجود اهمیت یادگیری مادام العمر، هنوز جایگاه آن در مدارس ابتدایی به طور کامل مشخص نشده است. در این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که چگونه می توان مفهوم یادگیری مادام العمر را در مدارس ابتدایی عملی کرد و چه برنامه ها و اقداماتی برای این منظور باید انجام شود. یادگیری مادام العمر به دانش آموزان کمک می کند تا مهارت های لازم برای زندگی در دنیای متغیر را کسب کنند، به طور مستقل یاد بگیرند و به اعضای فعال جامعه تبدیل شوند. علاوه بر این، یادگیری مادام العمر می تواند به افزایش انگیزه و علاقه دانش آموزان به یادگیری و همچنین ارتقای سطح تحصیلی آنها کمک کند. در این مقاله از روش مروری بر ادبیات استفاده شده است. برای این منظور، منابع مختلفی از جمله مقالات علمی، کتاب ها و گزارش های پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته اند. یافته های این مقاله نشان می دهد که یادگیری مادام العمر مفهومی چندوجهی است که شامل مهارت ها، نگرش ها و ارزش های مختلفی می شود. برای عملی کردن یادگیری مادام العمر در مدارس ابتدایی، باید به تمام این جنبه ها توجه شود. یادگیری مادام العمر نقشی اساسی در آموزش و پرورش ابتدایی دارد. با ایجاد برنامه های مناسب و با فراهم کردن محیطی یادگیری حمایتی، می توان به دانش آموزان کمک کرد تا به یادگیرندگان مادام العمر تبدیل شوند.

کلمات کلیدی: یادگیری مادام العمر، مدارس ابتدایی، آموزش و پرورش، مهارت ها.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

در دنیای امروز که با تغییرات سریع و مداوم روبرو هستیم، دیگر نمی توان به شیوه های سنتی آموزش و پرورش اکتفا کرد. دانش آموزان امروزی باید برای زندگی در دنیایی آماده شوند که در آن اطلاعات به سرعت منسوخ می شود و مهارت های جدید به طور مداوم مورد نیاز است. در این راستا، یادگیری مادام العمر به عنوان یک ضرورت انکار ناپذیر مطرح می شود. یادگیری مادام العمر به معنای توانایی و تمایل به یادگیری در طول زندگی است. این امر شامل یادگیری مهارت های جدید، کسب دانش جدید و تغییر نگرش ها و ارزش ها در صورت نیاز می شود. مدارس ابتدایی به عنوان اولین مرحله از نظام آموزشی، نقش مهمی در پرورش یادگیرندگان مادام العمر دارند. در این دوره سنی، دانش آموزان ذهن کنجکاو و عطش یادگیری دارند و آماده پذیرش ایده های جدید هستند (امیری و همکاران، ۱۳۹۵). امروزه برای یک بزرگسال، کسب تجربه یادگیری صحیح و کارآمد، مهم ترین گنجینه ای است که می تواند از زندگی گذشته به امروز بیاورد و به آینده بیاورد. به علاوه، این باور رایج وجود دارد که فعالیت های آموزشی اجباری ممکن است برای تأمین اطلاعات و مهارت های لازم که فرد در تمام طول عمر به آن نیاز دارد کافی نباشد و آموزش باید در طول زندگی ادامه یابد. به همین دلیل، یکی از پارادایم های جدید پذیرفته شده هم در مؤسسات آموزش عالی و هم به طور کلی در کل نظام آموزشی امروز «یادگیری مادام العمر» است. (کلیک و سکزین، ۲۰۰۵). یادگیری مادام العمر توسط نهادهای بین المللی مختلف با رویکردی کل نگر انجام می شود و دارای فلسفه «آموزش از گهواره تا گور» است و دارای اهداف کلی زیر است: تعمیم آموزش پیش دبستانی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفیت، ایجاد یک یادگیری واقعی. پایه در آموزش اجباری، تسهیل پیشرفت از مدرسه به زندگی تجاری، تشویق بزرگسالان به یادگیری، تجدید منابع سیستم و ایجاد هماهنگی بین بخش های سیستم (کاتن، ۲۰۰۸).

فعالیت های یادگیری ممکن است شامل یادگیری رسمی، غیر رسمی و غیر رسمی باشد. یادگیری رسمی شامل فعالیت های یادگیری است که در یک زمینه سازمان یافته، برای مثال در یک محیط آموزشی انجام می شود. آموزش موسسه یا داخل مدرسه ممکن است در پایان فرآیند یادگیری یک مدرک رسمی (مثلاً دیپلم) اعطا شود. یادگیری غیررسمی بیانگر آن فرآیند یادگیری است که در مجموعه ای از فعالیت ها اتفاق می افتد که به صراحت به عنوان یادگیری تعیین نشده اند، اما حاوی یک عنصر یادگیری هستند (مثلاً تمرین نحوه استفاده از یک برنامه / ابزار). یادگیری غیررسمی آن یادگیری است که در طول فعالیت های روزمره زندگی اتفاق می افتد و شامل یادگیری از تجربیات شخصی است. بنابراین، یادگیری مادام العمر شامل فرآیند یادگیری مادام العمر، کسب و گسترش مهارت ها، رفتارها و دانش در طول زندگی فرد است (امیری و همکاران، ۱۳۹۵).

آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم

تغییرات سریع در فناوری اطلاعات، ساختارهای اجتماعی را هم تغییر می دهد و هم تغییر شکل می دهد. این روند تغییر سریع، به نوبه خود، اصطلاحات و حقایق جدیدی را به همراه داشت. یکی از این اصطلاحات جدید عصر اطلاعات یا جامعه اطلاعاتی است. جامعه اطلاعاتی جامعه ای است که اطلاعات در آن قدرت اساسی و منبع اولیه سرمایه است (کیلچی، ۲۰۲۰). در جامعه اطلاعاتی، اطلاعات به خودی خود یک هدف نیست، بلکه ابزاری است و نیروی اولیه ای است که هر جنبه ای از زندگی اجتماعی را روشن و هدایت می کند. به طور مشابه، اطلاعات یک سبک زندگی، نوعی تفکر و زندگی در یک جامعه اطلاعاتی است. در چنین دوره ای تولید و استفاده از اطلاعات معتبر اهمیت دارد. یکی از ویژگی های جامعه اطلاعاتی فردی است که قادر به یادگیری است. در جامعه اطلاعاتی، فرد باید داده های علمی را درک، تفسیر و استفاده کند. موارد جدید تولید کند و توانایی حل مشکلات را داشته باشد (رینسش، ۲۰۰۷).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اتخاذ تدابیر احتیاطی در برابر پیامدهای احتمالی که فرآیند تغییر در یک جامعه اطلاعاتی ممکن است به همراه داشته باشد و نیز آماده سازی فرد و جامعه برای آینده به گونه ای برای رقابت با خود تغییر بسیار مهم بوده است. ادغام فرد با جامعه اطلاعاتی که به سرعت در حال تغییر است و یافتن جایگاهی که شایسته او در آن جامعه است، به دست آوردن اطلاعات جدید و توانمندی های غنی از طریق یادگیری مادام العمر و واجد شرایط شدن امکان پذیر می شود (یوردابکان، ۲۰۱۸). طبق نظر کروتر (۲۰۰۸) یک فرد یادگیرنده مستمر، آرزوی مستمر برای یادگیری و مسئولیت یادگیری خود را دارد. یک فرد یادگیرنده مستمر دیدگاه، رفتار و ارزش های زندگی خود را تجدید می کند. آن شخص همچنین باید «یادگیری بیاموزد». به بیان دیگر، فرد باید به اطلاعات و مهارت های اولیه برای درک و پردازش بهتر اطلاعات مجهز باشد و بتواند فرآیند یادگیری را برای خود سازنده تر کند (کاتن، ۲۰۱۸). بدون این مهارت ها، یا امکان یادگیری کاهش می یابد. یا با تلاش بیشتر می توان کمتر یاد گرفت. در جامعه اطلاعاتی، قضاوت و درک معلمان از دانش آموزان تغییر کرده است. از این زمان به بعد، معلمان باید بر روی نقاطی که دانش آموزان عملکرد بهتر یا موفقیت آمیزی دارند، تمرکز کنند، اما نه بر روی نقص آنها. هدف و مسئولیت اجتماعی آموزش برای جامعه اطلاعاتی جدید تحت نظارت است. بر این مبنا، برخی از ویژگی های آموزش به شرح زیر است (کانفور، ۲۰۲۲).

۱- آموزش و پرورش یک هدف اجتماعی برای جامعه اطلاعاتی خواهد داشت. هیچ آموزشی خالی از ارزش ها وجود نخواهد داشت.

۲- سیستم آموزشی مورد بحث باید یک سیستم باز باشد. آموزش باید خدمتی باشد که هر بخش از جامعه بتواند به آن دسترسی داشته باشد. و صرف نظر از مبدا، منبع درآمد یا تحصیلات قبلی، افراد شایسته و موفق باید به آموزش دسترسی داشته باشند و افراد از طریق آموزش در جامعه به سمت بالا حرکت کنند.

۳- مفهومی به عنوان آموزش تمام شده وجود ندارد. حتی کسانی که سطح تحصیلات بالایی دارند نیز باید به مدرسه بازگردند. اکنون آموزش و پرورش نباید به مدرسه محدود شود. هر مؤسسه ای که در حالت «کارفرما» است، باید معلم باشد باید بین مؤسسات آموزشی و شرکت های تجاری همکاری وجود داشته باشد.

۴- باید توجه داشته باشیم که مدرک تحصیلی را قدردانی از استعداد بدانییم نه آن را موانع پیش روی استعداد های افراد فرزندان خانواده های مرفه و تحصیل کرده همیشه سود بیشتری خواهند داشت. با این حال، این موقعیت سودمند نباید مانعی غیرممکن برای دیگران باشد.

۵- یادگیری مانند اثر انگشت شخصی است. سرعت یادگیری افراد، ریتم متفاوت و فاصله توجه متفاوت است. به همین دلیل نقش معلمان باید شناسایی مناسب باشد

۶- سبک های یادگیری برای ویژگی های شخصی دانش آموزان، و آنها را به سمت زمینه هایی راهنمایی می کند که برای پروفایل های یادگیری آنها مناسب تر است (چالیک و سزگین، ۲۰۰۵).

با در نظر گرفتن جهانی شدن و وضعیت پویا و در حال توسعه جامعه اطلاعاتی، اصطلاحات زیر باید مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند: آموزش، فرد تحصیل کرده، یادگیری، مدرسه، مدیر مدرسه، معلم و دانش آموز. در این دوره جدید آموزش، ارتقای سطح مهارت، خودآموزی، خودسازی و به کارگیری کامل مهارت های فردی در پیش زمینه خواهد بود. از افراد انتظار می رود که مهارت هایی مانند یادگیری یک زندگی مبتنی بر دانش، تفکر تحلیلی، ترکیب، حل مسائل و مشارکت در یک ارتباط موثر را داشته باشند. گسترش سریع اطلاعات به افرادی نیاز خواهد داشت که بتوانند بدانند چگونه و از کجا اطلاعات را به دست آورند و در انتخاب خود به جای همه افراد آگاه، گزینشی باشند، به عبارت دیگر، نیاز به افرادی وجود خواهد داشت که قادر به یادگیری باشند. (برایس و همکاران، ۲۰۲۰).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رشد خود افراد در فرآیند اجتماعی نقش مهمی در توسعه اصطلاح یادگیری مادام العمر ایفا کرد. به طور خاص، ظهور جامعه اطلاعاتی توسعه این اصطلاح را سرعت بخشید. تفاوت بین مفهوم آموزش قرن بیستم و مفهوم یادگیری مادام العمر قرن بیست و یکم توسط لانگ ورث (۲۰۰۳) به شرح زیر بیان شده است:

۱- اهداف: در قرن ۲۰ آموزش و پرورش اهداف و اهداف دانشگاهی محدودی را تعیین می کند و برای دستیابی به آنها در حال حاضر تلاش می کند. اما در قرن ۲۱ مفهوم یادگیری مادام العمر نه تنها کارساز است بلکه دستیابی به اهداف فعلی و برای انتقال ارزش ها و نگرش های بلند مدت آینده به یادگیری ضروری است. به این منظور؛ ضروری است که برنامه های درسی بیشتر به مهارت های زندگی و پیوند مدرسه و زندگی بپردازد (دی، ۲۰۲۰).

۲- ارتباط با صنعت: در مفهوم آموزش بیستم، یک طرح کسب و کار کوتاه مدت ابتدایی معمولاً حول مسائل دانشگاهی وجود دارد و تلاش کمی برای آگاه نگه داشتن همه ذینفعان انجام می شود. اما در مفهوم آموزش مستمر قرن بیست و یکم یک استراتژی سازمانی مکتوب کامل وجود دارد که در دسترس همگان است. این طرح استراتژی مدرسه را به یادگیری مادام العمر توسعه می دهد و تمام جنبه های فعالیت مدرسه را پوشش می دهد. از این جهت برای ایجاد تغییر در مفهوم آموزش، لازم است طرح کسب و کار درازمدت مدرسه تدوین و در دسترس همگان قرار گیرد. همچنین لازم است استراتژی های اطلاعاتی پیشگیرانه ایجاد شود تا همه ذینفعان در کنار یکدیگر باشند (کانفورد، ۲۰۲۲).

۳- آموزش ضمن خدمت معلمان: نکته دیگر مربوط به مفهوم تعلیم و تربیت قرن بیستم این است که برخی از معلمان بر اساس نیاز یا تمایل خود دوره های آموزشی را می گذرانند و گاه به گاه سمینارهایی در مدارس ابتدایی فقط برای معلمان برگزار می شود. اما در مفهوم یادگیری مادام العمر قرن بیست و یکم، هر فرد در مدرسه برنامه ای برای بهبود مستمر مهارت های تحصیلی و فردی دارد که در سیستم مدیریتی تعبیه شده است و به عنوان بخشی از آن با برنامه توسعه مدرسه مرتبط است (دانلوپ، ۲۰۱۹). به این منظور؛ لازم است که نه تنها دانش آموزان، بلکه معلمان و کارکنان مدیریت نیز برنامه های بهبود مستمر مکتوب را برای رشد تحصیلی و شخصی دانش آموزان تدوین کنند و باید این برنامه ها را به والدین و جامعه تعمیم داد (کاتن، ۲۰۱۸).

۴- نقش معلم: در قرن بیستم، معلمان تنها منابع انسانی برای ارائه برنامه درسی هستند و سایر منابع از دولت محلی و رویدادهای مدرسه تامین می شود. اما در مفهوم یادگیری مادام العمر، اضافه کردن نیروی انسانی با بهره گیری از مهارت ها، استعدادها و دانش فرمانداران، والدین و همه افراد جامعه با بررسی بودجه مورد اعتراض قرار می گیرد (دی، ۲۰۲۰). برای انجام این کار، علاوه بر نیروی انسانی و سایر منابع موجود در جامعه، استفاده از راهبردهای نوآورانه برای مشارکت جامعه در توسعه مدرسه ضروری است. (دانلوپ، ۲۰۱۹).

۵- برنامه درسی: یکی از تفاوت های مهم مفاهیم تعلیم و تربیت قرن ۲۰ و ۲۱ این است که برنامه های درسی مبتنی بر موضوعات مجزا بوده و بر اساس حفظ حقایق با فلسفه شکست ناموفق ارزیابی می شوند. اما در قرن بیست و یکم، برنامه درسی مبتنی بر مهارت ها و دانش، افزایش عزت نفس و پذیرش ارزش های مستمر است. در این جنبه، امتحانات به عنوان بررسی بخشی از فرآیند یادگیری شخصی انجام می شود. برای تغییر این مفهوم، توسعه مهارت های شخصی باید در برنامه درسی گنجانده شود. علاوه بر این، مفهوم شکست باید از سیستم خارج شود و با استراتژی های بهبود عزت نفس شخصی جایگزین شود (کاتن، ۲۰۱۸).

۶- خدمات حمایتی: در قرن بیستم معلمان بیش از حد کار می کنند و خدمات حمایتی اندکی برای شناسایی و حل مشکلات یادگیری فردی و اجتماعی ارائه می شود. در مفهوم یادگیری مادام العمر، سیستم های راهنمایی، پشتیبانی و مشاوره برای همه فراگیران و خانواده های آنها در دسترس است (کاتن، ۲۰۱۸: ۲۴). مشکلات اجتماعی به سرعت شناسایی می شوند و راه حل های سریعی برای یادگیری و مشکلات اجتماعی وجود دارد. برای از بین بردن این تفاوت، لازم است سیستم های هدایت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یادگیری فردی برای همه دانش آموزان به طور مکرر و مکرر معرفی شود، منابعی مانند مربیان باید در مدرسه و جامعه استفاده شوند. خانواده ها باید درگیر سیستم شوند و سیستم واکنش سریع راه اندازی شود (کانفورد، ۲۰۲۲).

۷- ارزشیابی: در قرن بیستم، برنامه درسی و مدارس ابتدایی بر اساس موفقیت در امتحان است. برنامه درسی اجتماعی به صورت موردی مورد بررسی قرار گرفت. برنامه های ویژه و اجتماعی وجود دارد. اما در قرن بیست و یکم؛ به دنیا می نگرد و با مشارکت در جامعه ای که در آن وجود دارد یاد می گیرد (دی، ۲۰۲۰). یک برنامه درسی اجتماعی قوی برای ترویج حس تساهل و درک نژادها، عقاید و فرهنگ های مختلف ایجاد شده است. به منظور افزایش تحمل و درک در داخل و خارج از مدرسه، برنامه درسی اجتماعی فعال باید معرفی شود. شبکه های اینترنتی باید در پروژه هایی برای پیوند دادن دانش آموزان به دانش آموزان دیگر در سراسر جهان استفاده شوند (کاتن، ۲۰۱۸).

۸- روش ها و فنون آموزشی: در قرن بیستم معلم نقش گذر دهنده اطلاعات را از طریق روش های آموزشی آموزشی با استفاده از گچ، گفتگو و تمرینات کاغذی بر عهده دارد. اما در قرن ۲۱؛ معلم نقش توسعه دهنده مهارت های یادگیری را با استفاده از نیروی انگیزشی برنامه های یادگیری فعال فردی مانند ICT، چند رسانه ای و شبکه ها دارد. با هدف دستیابی به این سیستم معلمان باید در بسیاری از کاربردهای فناوری به عنوان ابزار یادگیری آموزش ببینند. فناوری اطلاعات و ارتباطات باید با برنامه های نوآورانه کامل با صنعت سرمایه گذاری شود (کانفورد، ۲۰۲۲).

۹- ارتباط با والدین: در قرن بیستم والدین به مدرسه دعوت می شوند تا در مورد پیشرفت کودک هر ترم یک بار صحبت کنند و گاهی اوقات جلسات اطلاع رسانی عمومی برگزار می شود. اما در قرن بیست و یکم است با مشارکت خانواده در زندگی مدرسه از طریق افزایش همکاری خانه و مدرسه و افزایش آگاهی آنها در مورد مشارکت فعال در رویدادهای مدرسه مخالف بود. بنابراین آنها نقش فعالی در زندگی مدرسه ایفا می کنند. برای این منظور باید یک راهنمای مشارکت خانواده که تمام کارهایی را که والدین می توانند برای مدرسه انجام دهند را تشریح کند. برای برقراری ارتباط با والدین می توان یک خط ایمیل باز کرد (برایس و همکاران، ۲۰۲۰).

۱۰- فعالیت های مدرسه: در مدرسه قرن بیستم، تنها یک نمایش یا نمایش یک بار در سال وجود دارد و فعالان خارج از مدرسه تنها توسط معلمان مشتاق هدایت می شوند. گاهی اوقات نمایشگاه سالانه مدرسه و روزهای ارائه وجود دارد (دانلوپ، ۲۰۱۹). در قرن بیست و یکم، افزایش اعتماد به نفس، خلاقیت و بینش فرهنگی کارکنان، والدین، کودکان و جامعه از طریق طیف گسترده ای از فعالیت های فوق برنامه امکان پذیر است. به همین دلیل، یک برنامه چشمگیر از جوامع مدرسه، فعالیت های خارج از مدرسه، فرهنگ ها، رویدادها باید ایجاد شود و در جایی که مناسب است جامعه را درگیر کند (چالیک و سزگین، ۲۰۰۵).

۱۱- چشم انداز مدرسه: در قرن بیستم، در برخی کشورها عمدتاً بر روی افراد با پیشرفت تحصیلی بالا متمرکز شده است تا از طریق موقعیت در جدول های لیگ، جذابیت برای والدین افزایش یابد. در قرن بیست و یکم، بر موفقیت تحصیلی و شخصی همه دانش آموزان به عنوان وسیله ای برای افزایش شهرت مدرسه و ارضای نیازهای جامعه متمرکز شده است (برایس و همکاران، ۲۰۲۰: ۹۵). علاوه بر این از عموم مردم دعوت می شود تا آن را به اشتراک بگذارند. به همین دلیل مدرسه باید به شدت بازاریابی شود. مهم است که بر فرصت های یادگیری مثبت برای همه کودکان، کارکنان و جامعه به طور کلی تأکید شود. مدرسه باید جدول لیگ خود را از دستاوردهای همه دور ایجاد کند (دانلوپ، ۲۰۱۹).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مفهوم یادگیری مادام العمر

یادگیری مادام العمر فرآیندی است که در آن افراد رشد دانش، مهارت‌ها و علاقه خود را به زندگی و فرصت‌های یادگیری خود حفظ می‌کنند (ریچاردسون، ۱۹۷۸). معنای یادگیری مادام‌العمر شامل فرآیندی از «گهواره تا گور» است بدون اینکه آن را به دوره‌های زمانی خاص، سال‌ها، سازمان‌ها یا مؤسسات خاص محدود کند (کرودر، ۲۰۰۴).

یادگیری مادام‌العمر فرآیندی مستمر است که در آن افراد رفتار، دانش و مهارت‌های مبتنی بر زندگی خود را حفظ کرده و توسعه می‌دهند. هدف اصلی یادگیری مادام‌العمر تقویت و بهبود کیفیت زندگی افراد از طریق توانمند ساختن آن‌ها برای رساندن پتانسیل‌های بالقوه خود به بالاترین سطح است (لانگورث، ۲۰۰۳). طبق نظر راینش (۲۰۰۷)، یادگیری مادام‌العمر را می‌توان در این سه عبارت تعریف کرد:

۱- کل نظام آموزشی باید بر تربیت دانش آموزان مستمر متمرکز شود.

۲- علاوه بر سیستم آموزشی؛ صنایع، کسب و کار و سازمان‌ها نیز به فرآیندهای یادگیری مادام‌العمر نیاز دارند.

۳- افراد، از این نظر، باید یادگیرندگان خودراهبر باشند (پانگراس، ۲۰۱۷).

یادگیری مادام‌العمر فرآیند یادگیری است که در طول زندگی اتفاق می‌افتد. در این مورد، یادگیری مادام‌العمر به یادگیری رسمی (حمایت شده) و غیر رسمی (غیر حمایتی) اشاره دارد. یادگیری رسمی شامل، اما محدود به مشارکت در تحصیلات پس از دبیرستان است که توسط کالج‌ها و دانشگاه‌ها ارائه می‌شود. برنامه‌های اجتماعی، ایالتی، نظامی یا تحت حمایت شغلی؛ مشاوره حرفه‌ای و آموزشگاه‌های اختصاصی. یادگیری غیررسمی شامل، اما نه محدود به، جستجوی مشاوره از یک متخصص، همسالان با تجربه یا بزرگسال است. استفاده از یک کتابخانه یا مرکز منابع دیگر و راه‌اندازی یک پروژه یادگیری خودگردان - که منجر به ارزش‌گذاری یادگیری مادام‌العمر می‌شود (ریچاردسون، ۲۰۱۸).

فعالیت‌های لازم برای تقویت مهارت‌های یادگیری مادام‌العمر عبارتند از: ایجاد نگرش مثبت نسبت به یادگیری، خواندن، نوشتن، گفتار و گوش دادن، تحقیق و یادگیری مستقل، مهارت‌های مطالعه و راهبردهای یادگیری، مهارت‌های تفکر درجه بالاتر و تفکر در مورد تفکر (متقیان و همکاران، ۱۴۰۰). شکی نیست که "یادگیری مادام‌العمر برای همه" بخشی ثابت از دستور کار همه برای قرن بیست و یکم است EC. سال ۱۹۹۶ را "سال یادگیری مادام‌العمر" اعلام کرد. یونسکو با یک پروژه میان‌رشته‌ای جدید به نام "یادگیری بدون مرز" وارد هزاره سوم شده است که در آن ایجاد فرهنگ یادگیری به عنوان یکی از اهداف مهم در نظر گرفته شده است (نومانولو، ۱۹۹۹).

به گفته‌ی مدیرکل آن، دکتر فردریکو مایور، «هدف از یادگیری را نمی‌توان بیش از یک آماده‌سازی اولیه برای باقی‌مانده زندگی در نظر گرفت. یادگیری در قرن بیست و یکم یک نیاز مستمر خواهد بود. این مسئولیت جوامع خواهد بود که محیطی عاری از هرگونه مانعی را فراهم کنند که در آن افراد و نهادهای اجتماعی به طور یکسان بتوانند نیازهای آموزشی خود را برآورده کنند. در انگلستان، نویسندگان «یادگیری برای موفقیت»، گزارش کمیسیون ملی آموزش پیشنهاد می‌کند که شاید مهم‌ترین وظیفه در سال‌های آینده متقاعد کردن تعداد بیشتری از مردان و زنان باشد که یادگیری برای آنهاست (هلتربران، ۲۰۱۶). که می‌تواند زندگی شخصی آنها را بهبود بخشد و فرصت‌هایی برای استفاده آنها وجود دارد. در نهایت هدف، ایجاد فرهنگ یادگیری است، جامعه‌ای که در آن یادگیری یک هنجار است و سؤالی که مردم در زمانی که امکان آموزش یا آموزش برایشان پیش می‌آید این نیست که «چرا باید؟» اما «چرا نباید؟» (پانگراس، ۲۰۱۷). این موضوع در سرتاسر جهان در بیانیه‌های دولت‌ها، صنعت‌گران و متخصصان آموزشی تکرار می‌شود.

یافته‌های کنفرانس جهانی یادگیری مادام‌العمر (۱۹۹۴) همچنین راه رو به جلو را نشان داد و زمینه‌ای را مشخص کرد که در آن، «در قرن بیست و یکم، افرادی که یادگیری مادام‌العمر را تمرین نمی‌کنند، کار پیدا نخواهند کرد. سازمان‌هایی که تبدیل به سازمان‌های یادگیرنده نمی‌شوند، زنده نمی‌مانند...». ۵۰۰ نفر از ۵۰ کشور که در این کنفرانس شرکت کردند، واضح بودند



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

که توسعه شرکت ها، مدارس ابتدایی، کالج ها و دانشگاه ها برای بقای آنها ضروری است تا مطلوب. که "چالش افراد دستیابی و حفظ قابلیت استخدامی خود از طریق یادگیری مادام العمر است"، "کلید یادگیری موفق انگیزه است"، که "با کنترل متمرکز شدید به دست نخواهد آمد". (بویناک، ۲۰۰۸) خبر بد این است که بر اساس گزارش میز گرد اروپایی صنعتگران در مورد یادگیری مادام العمر، «آموزش پایین ترین سطح سرمایه گذاری سرمایه را در بین صنایع بزرگ امروزی دارد». با این حال، با سرمایه گذاری بر روی معلمان است که به احتمال زیاد چشم انداز جامعه یادگیرنده محقق می شود (دی، ۲۰۲۰).

جایگاه یادگیری مادام العمر در مدارس ابتدایی

مفاهیم کلیدی مرتبط با یادگیری مادام العمر به شرح زیر است: مالکیت افراد بر نیاز و محتوای یادگیری، یادگیری به جای اینکه به چه چیزی فکر کنیم، به نحوه اندیشیدن مربوط می شود، معلمان الگوها و مربیان یادگیری مادام العمر هستند تا توزیع کننده هدف ارزشیابی باید تشویق دانش آموزان به خودسازی و تسهیل کننده در این فرآیند باشد نه طبقه بندی آنها بر اساس یک هنجار و یادگیری به عنوان بخشی لذت بخش و ضروری در فرد تلقی می شود (بویناک، ۲۰۰۸). در یک مدرسه مبتنی بر یادگیری مادام العمر، برخی از عوامل اساسی قرار دادن دانش آموز و نیازهای او در مرکز، یادگیری خودراهبر از طریق یادگیری نحوه یادگیری و چرخه زندگی هستند (پانگراس، ۲۰۱۷).

امروزه یکی از نگرش هایی که موسسات آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی سعی در تحمیل آن به دانش آموزان دارند، یادگیری مادام العمر است. هنگامی که دانش آموزان از دپارتمان هایی که به سرعت در حال تغییر هستند فارغ التحصیل می شوند، مجبورند خود را عمده‌تاً از طریق حفظ یادگیری مادام العمر به روز کنند. علاوه بر این، زمانی که این نگرش را در سال های تحصیلی خود ایجاد کردند، انتظار می رود که وقتی معلم شدند، این نگرش را به دانش آموزان خود منتقل کنند (هلتربران، ۲۰۱۶). توسعه و تقویت نگرش یادگیری مادام العمر در دانش آموزان در مقایسه با سایر نگرش ها، مهارت ها و عاداتی که انتظار می رود دانش آموزان کسب کنند، تفاوت هایی را به دنبال دارد. توسعه نگرش نسبت به یادگیری مادام العمر مستلزم این واقعیت است که از دانش آموزان انتظار می رود مهارت های جدیدی مانند جمع آوری اطلاعات و همچنین ایجاد برخی نگرش ها و گرایش های خاص مرتبط با یادگیری را کسب کنند (مقدس، ۱۴۰۱).

به طور خلاصه، در کلی ترین مفهوم، مدارس ابتدایی باید به گونه ای سازماندهی شوند که مهارت های اجتماعی، مهارت های یادگیری و مهارت های زندگی و مهارت استفاده از فرصت ها را در اختیار دانش آموزان قرار دهند. برای دستیابی به این هدف، باید یک برنامه درسی مبتنی بر مهارت و برنامه های آموزشی حمایتی نیز تهیه شود. (پانگراس، ۲۰۱۷). معلمان باید به عنوان کسانی تربیت شوند که توانایی های دانش آموزی را توسعه دهند، به انجمن های اولیا و مربیان اهمیت کافی داده شود و ارتباط مستمری بین معلمان، دانشگاه ها، حوزه های صنعتی و جامعه وجود داشته باشد. به طور خاص، به منظور توسعه مهارت های یادگیری، استفاده از نرم افزارهای آموزشی و فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات در مدارس ابتدایی و استفاده از شبکه های ملی و بین المللی باید تشویق شود.

مدارس ابتدایی ضمن ارائه خدمات آموزشی به عنوان یک نهاد، باید بهترین راه های تولید و ارائه دانش را نیز آموزش دهند، زیرا انتقاد بر ذهنیت سنتی مدرسه ادعا می کند که مدارس ابتدایی ممکن است به طور کارآمدی با تغییرات همگام نباشند. پترسون از رویکردهای سنتی در موارد زیر انتقاد کرد:

• مدارس ابتدایی فقط به موفقیت تحصیلی اهمیت می دهند و بنابراین برخی از توانایی های ذاتی افراد را محدود می کنند از آنجایی که مدارس ابتدایی محدود به تجربیات سطحی هستند که عاری از احساسات هستند. قادر به ایجاد تغییرات دائمی و اساسی نیستند.

• مدارس ابتدایی به عرصه رقابت برای دانش آموزان تبدیل شده و در نتیجه احساس ناتوانی در آنها ایجاد می شود اکثر دانش آموزان و احساسات اعتماد متقابل و همکاری را سرکوب می کنند. (هلتربران، ۲۰۱۶).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با توجه به چهار نکته زیر می توان مهارت های یادگیری مادام العمر در مدارس ابتدایی را سریع تر توسعه داد
۱. استفاده از راهبردهای آموزشی مختلف مهم است. از آنجایی که دانش آموزان ممکن است به روش های مختلف یاد بگیرند،
فرآیندهای آموزشی باید با این امر مطابقت داشته باشد. استراتژی های مختلف باید برای اثربخشی متحد شوند
یادگیری و فرآیندهای یادگیری فعال باید اهمیت بیشتری داده شود (بویناک، ۲۰۰۸).

۲. برنامه ریزی، کاربرد و ارزشیابی آموزش برای آموزش و یادگیری مؤثر حیاتی است. در کلاس ها، نظام ارزشیابی در یک
مدرسه نیز باید مطابق با نظام آموزشی باشد. در غیر این صورت، بین فرآیندها ناپیوستگی ایجاد می شود و دستاوردهای
یادگیری مختل می شود.

۳. بازخورد باید معنادار و انگیزشی باشد به گونه ای که دانش آموزان را قادر سازد اشتباهات خود را تجدید نظر کنند و دوباره
مطالعه و فکر کنند. تقویت اطلاعاتی که انتظار می رود دانش آموزان داشته باشند نیز در این فرآیند گنجانده شده است. بر
اساس منطقی، این ممکن است برای همه تکالیف قابل اجرا نباشد. با این حال، هنگامی که به طور انتخابی استفاده شود، ابزار
کارآمدی خواهد بود. این نشان دهنده ارزش و احترامی است که برای دانش آموز و فرآیند یادگیری قائل است (بویناک،
۲۰۰۸).

۴. کاربرد نیز در خارج از کلاس، دانش آموزان را قادر می سازد تا مهارت ها و دانش خود را آزمایش کنند. وقتی دانش آموزان
به کاربردی بودن آموخته های خود پی ببرند، تمایل بیشتری به سرمایه گذاری در خودآموزی خود خواهند داشت. فرصت های
کاربردی می تواند به اشکال مختلف باشد. از جمله خدمات اجتماعی، مشاوره، اجرا، سمینار یا نمایشگاهی برای موزه یا کتابخانه
است (هلتربران، ۲۰۱۶).

این ادعا وجود دارد که مدارس ابتدایی امروزی مدارس ابتدایی یادگیرنده / یادگیرنده هستند. به همین دلیل، اصرار بر
توسعه الگوهای مدرسه جایگزین وجود دارد. محبوب ترین مدل مدرسه جایگزین، مدل مدرسه یادگیرنده / یادگیرنده در نظر
گرفته می شود (چلیک و سکزگ، ۲۰۰۵). با این حال، نقش نظام آموزشی در جامعه اطلاعاتی پرورش افرادی است که قادر به
یادگیری هستند. و نقش مدیران آموزشی تبدیل مدارس ابتدایی به مدارس ابتدایی با کیفیت یادگیری / آموزنده است (لانگورث،
۲۰۰۳). مدارس ابتدایی مدرن باید محل سازماندهی دانش باشند که نیازهای یادگیری دانش آموزان، معلمان، مدیران، سایر
کارکنان و افراد اطراف را نیز برآورده کند. در مدل مدرسه ای که جامعه اطلاعاتی ضروری است، تصویر کلاسیک آموزشی -
موسسه ای مدارس ابتدایی با نهادهای یادگیرنده / یادگیرنده جایگزین می شود. این را می توان با این واقعیت توضیح داد که
آموزش نباید به یک دوره زمانی خاص محدود شود. به عبارت دیگر، یادگیری مادام العمر در میان اساسی ترین نیازهای فرد
مدرن جای گرفته است. بر این اساس، الگوی انسانی مورد نیاز جامعه اطلاعاتی، فرد یادگیرنده است. به عبارت دیگر، این فرد
دانش است. مؤسساتی که قرار است افراد یادگیرنده را پرورش دهند باید سازمان های دانش و در نتیجه مؤسسات
یادگیرنده / یادگیرنده باشند (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۸).

برای داشتن یک آموزش مستمر واجد شرایط، رضایت بخش و مدرن، افرادی که از این آموزش بهره مند می شوند، باید در سال
های تحصیلی ابتدایی و متوسطه تحصیلات واجد شرایط دریافت کرده باشند. برای اینکه آموزش بزرگسالان هیجان انگیز،
خلاقانه و روان باشد، سطح بالای تحصیلات و تجربه گذشته یک مزیت مهم در نظر گرفته می شود (بویناک، ۲۰۰۸). قبل از
اینکه کودکان تحصیلات مدرسه خود را به پایان برسانند، باید میل به "یادگیری برای یادگیری" و موقعیت سازماندهی خود را
به دست آورند. بسیاری از کودکان دبستانی مهارت های اساسی مانند خواندن، نوشتن، ریاضیات و امثال آن را کسب می کنند
تا هم در مدرسه و هم در زندگی موفق باشند. (پانگراس، ۲۰۱۷). با این حال، در مقایسه با برنامه های موجود، نیاز به برنامه های
درسی انعطاف پذیرتر و برنامه های آموزشی است که منجر به یادگیری فردی می شود که از فناوری های جدید به طور مؤثر
استفاده کند و برابری بین آموزش فنی و یادگیری آکادمیک برقرار کند. کشورهای مختلف سعی در ایجاد ارتباط بین آموزش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فنی و آموزش آکادمیک دارند. تداوم میل به یادگیری نقش یکپارچه در تنوع بخشیدن به عملکرد سیستم آموزشی ایفا می کند (متقیان و همکاران، ۱۴۰۰).

واژه کلیدی در تحقق فعالیت یادگیری مادام العمر، سواد اطلاعاتی است، زیرا جامعه اطلاعاتی متشکل از افرادی است که تمام زندگی خود را یاد می گیرند. کسانی که در تمام طول زندگی خود یاد می گیرند می توانند به راحتی به اطلاعاتی که برای حل یک مشکل یا تصمیم گیری لازم است دسترسی پیدا کنند. سواد اطلاعاتی مهارت های کسب، استفاده و انتقال اطلاعات است. سواد اطلاعاتی اساس یادگیری مادام العمر است (پانگراس، ۲۰۱۷). برای اینکه اصول یادگیری مادام العمر را عملی کنیم، باید توسعه فردی و اجتماعی را تشویق کنیم و همچنین بر دنیای کامپیوتری مسلط شویم به طور خلاصه، برای یادگیری مادام العمر، محیط های اجتماعی باید در آن ایجاد شود که به افراد این فرصت داده می شود تا خود را هم از نظر شخصی و هم از نظر اجتماعی توسعه دهند و افراد باید در سواد رایانه ای که توسط نیازهای جامعه اطلاعاتی دیکته می شود، صلاحیت داشته باشند (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۸).

قرار است مربیان از دانش آموزان بخواهند که مهارت های یادگیری مادام العمر را به طور کلی و مهارت های یادگیری فراشناختی و خودکنترلی را به طور خاص کسب کنند تا در حوزه های خود به روز بمانند. در این زمینه، روش هایی مانند یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری آگاهانه، آموزش متقابل و کارآموزی شناختی توصیه می شود که پتانسیل یادگیری مادام العمر دانش آموزان را توسعه می دهد (لانگورث، ۲۰۰۳). این روش ها مهارت های یادگیری فراشناختی و خودکنترلی را برای یادگیری مادام العمر فراهم می کنند. یعنی روش های آموزشی مانند یادگیری مبتنی بر مشکل، یادگیری آگاهانه، آموزش متقابل و کارآموزی شناختی و فعالیت های انگیزشی طبیعی و راهبردهای آموزشی مشابه مانند همکاری، تأمل و استقلال دانش آموز. توسط افراد به کار گرفته می شوند تا در دنیای امروز به روز بمانند (پانگراس، ۲۰۱۷).

ویژگی های مدارس ابتدایی که یادگیری مادام العمر را هدف می گیرند

- ۱- دارای یک استراتژی سازمانی مکتوب، در دسترس همگان، برای توسعه پتانسیل انسانی کامل هر دانش آموز و کارمند؛
- ۲- دانش آموزان و کارکنان را در حفظ فرهنگ کیفیت و احترام به استانداردهای بالا در هر کاری که انجام می دهد و در برنامه های بهبود مستمر برای کارکنان مشارکت می دهد (چلیک و سکرگ، ۲۰۰۵).
- ۳- منابع در دسترس مدرسه را با بهره گیری از مهارت ها، استعدادها و دانش مدیران، والدین، رهبران کسب و کار و سایر اعضای جامعه افزایش می دهد تا یادگیری جدید ایجاد کند.
- ۴- با دنیای کار پیوند برقرار می کند که دانش و تجربه دانش آموزان را غنی می کند و رویکرد "یادگیری" به زندگی بزرگسالان؛
- ۵- یک برنامه درسی مبتنی بر افزایش مهارت ها و ارزش های شخصی برای بهبود دانش و درک و توانمندسازی دانش آموزان برای مدیریت تغییر در طول زندگی خود ایجاد می کند (پانگراس، ۲۰۱۷).
- ۶- از فناوری های نوین اطلاعات و ارتباطات به طور گسترده در همه رشته ها، از جمله اکتشاف فرصت های یادگیری مشارکتی از طریق شبکه ها استفاده می کند.
- ۷- به دنیا می نگرد و حس بردباری، عدالت، و درک نژادها، عقاید و فرهنگ های مختلف را در همه دانش آموزان ترویج می کند (هلتربران، ۲۰۱۶).
- ۸- همکاری خانه و مدرسه را تحریک می کند و خانواده را در زندگی و کار مدرسه مشارکت می دهد.
- ۹- یادگیری مادام العمر را در همه دانش آموزان و کارکنان خود با مشارکت دادن آنها در توسعه برنامه های یادگیری شخصی، راهنماها و مربیان گسترش می دهد (لانگورث، ۲۰۰۳).
- ۱۰- بینش کارکنان و دانش آموزان را از طریق طیف وسیعی از تجربیات فرهنگی و فعالیت های فوق برنامه؛



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱۱- یادگیری را به طور مکرر به عنوان یک عادت مطلوب، دائمی و لذت بخش برای همه جشن می گیرد (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۱۸).

نتیجه گیری

یادگیری مادام العمر به عنوان یک ضرورت انکار ناپذیر در دنیای امروز، نقشی اساسی در آموزش و پرورش ابتدایی ایفا می کند. این مقاله به بررسی مفهوم و جایگاه یادگیری مادام العمر در مدارس ابتدایی پرداخت و نشان داد که با ایجاد برنامه های مناسب و با فراهم کردن محیطی یادگیری حمایتی، می توان به دانش آموزان کمک کرد تا به یادگیرندگان مادام العمر تبدیل شوند. یادگیری مادام العمر مفهومی چندوجهی است که شامل مهارت ها، نگرش ها و ارزش های مختلفی می شود. برای عملی کردن یادگیری مادام العمر در مدارس ابتدایی، باید به تمام این جنبه ها توجه شود. مهارت های لازم برای یادگیری مادام العمر شامل مهارت های حل مسئله، تفکر انتقادی، ارتباطات و کار گروهی است. نگرش های لازم برای یادگیری مادام العمر شامل اشتیاق به یادگیری، کنجکاوی، خلاقیت و انعطاف پذیری است. ارزش های لازم برای یادگیری مادام العمر شامل تعهد به یادگیری، مسئولیت پذیری، احترام به دیگران و تمایل به کمک به دیگران است.

برای ایجاد برنامه های یادگیری مادام العمر در مدارس ابتدایی، می توان از روش های مختلفی استفاده کرد. یکی از روش های موثر، استفاده از رویکرد یادگیری فعال است. در این رویکرد، دانش آموزان به جای اینکه مطالب را به صورت منفعلانه دریافت کنند، به طور فعال در فرآیند یادگیری مشارکت می کنند. این امر می تواند به افزایش انگیزه و علاقه دانش آموزان به یادگیری و همچنین ارتقای سطح تحصیلی آنها کمک کند. علاوه بر استفاده از روش های یادگیری فعال، برای ایجاد برنامه های یادگیری مادام العمر در مدارس ابتدایی، باید به ایجاد محیطی یادگیری حمایتی نیز توجه شود. این محیط باید به گونه ای باشد که همه دانش آموزان احساس امنیت و تعلق خاطر کنند و فرصت برابر برای یادگیری داشته باشند. معلمان نیز باید در این زمینه نقش مهمی ایفا کنند و با ایجاد انگیزه در دانش آموزان و فراهم کردن فرصت های یادگیری مناسب، به آنها در رسیدن به اهدافشان کمک کنند.

در نهایت، یادگیری مادام العمر به دانش آموزان کمک می کند تا مهارت های لازم برای زندگی در دنیای متغیر را کسب کنند، به طور مستقل یاد بگیرند و به اعضای فعال جامعه تبدیل شوند. با تلاش و برنامه ریزی مناسب، می توان مدارس ابتدایی را به مکانی برای پرورش یادگیرندگان مادام العمر تبدیل کرد.

منابع

۱. امیری، ابراهیم، محمدی، ناصر و رضایی، جابر و قنبری میلانی، مجید، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین پیشرفت تحصیلی و یادگیری مادام العمر در بین دانش آموزان ابتدایی، دومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، قم.
۲. متقیان، امین و گلی، الهام و گلی، وحیده و پارسا قلعه، اکبر، (۱۴۰۰)، یادگیری مادام العمر و مدرسه: مفاهیم، اصول و الزامات، اولین کنفرانس بین المللی مطالعات میان رشته ای علوم بهداشتی، روانشناسی، مدیریت و علوم تربیتی.
۳. مقدس، بهرام، (۱۴۰۱)، یادگیری مادام العمر و اهمیت آن در بهبود رشد ذهنی فراگیران ایرانی، هفتمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد.
۴. Boynak, F. (۲۰۰۸). Bilgisayar destekli devre tasarımı dersi uygulaması. The Turkish Online Journal of Educational Technology – TOJET. ۳ (۱). ۹۱-۹۸
۵. Bryce, J.& Withers, G. (۲۰۰۳). Engaging secondary school students in lifelong learning. Australia: Australian Council for Educational Research.
۶. Bryce, J., Frigo, T., McKenzie, P. & Withers, G. (۲۰۲۰). The era of lifelong learning: Implications for secondary schools. Australia: Australian Council for Educational Research. ۹(۵), ۹۰-۹۹.



۷. Çalık, T&Sezgin, F.(۲۰۰۵). Globalization, information society and education. Kastamonu Education Journal, ۱۳(۱), ۵۵-۶۶.
۸. Çelik, V. (۲۰۱۹). Okul kültürü ve yönetimi, Ankara: PegemA Yayıncılık.
۹. Conford, I.R.(۲۰۲۲). Learning-to-learn strategies as a basis for effective lifelong learning. International Journal of Lifelong Education, ۲۱(۴),۳۵۷-۳۶۸.
۱۰. Cotton, K. (۲۰۱۸). From high school student to lifelong learner your route to independence. Washington: Northwest Regional Educational Laboratory,۸(۵),۲۴-۳۲
۱۱. Crowther, J(۲۰۰۴). “In and against” lifelong learning: Flexibility and the corrosion of character. International Journal of Lifelong Education, ۲۳(۲), ۱۲۵-۱۳۶.
۱۲. Day, C. (۲۰۲۰). Teachers in the twenty-first century: Time to renew the vision. Teachers and Teaching: Theory and Practice, ۶ (۱), ۱۰۶-۱۱۵.
۱۳. Dunlop, J.C. (۲۰۱۹). Preparing Students for Lifelong Learning: A Review of Instructional Methodologies,
۱۴. Helterbran, V.R. (۲۰۱۵). Lifelong or school-long learning a daily choice. The Clearing House, ۷۸(۶), ۲۶۱-۲۶۴.
۱۵. Kılıçcı, Y. (۲۰۲۰). Okulda ruh sa÷lı÷ı, Ankara: Anı yayıncılık.
۱۶. Knapper,C.K, & Cropley, A.J. (۲۰۱۷). Lifelong learning in higher education, ۳. Ed. London: Kogan Page.
۱۷. Longworth, N. (۲۰۰۳). Lifelong learning in action, London: Kogan Page.
۱۸. Numanolu, G. (۱۹۹۹). Bilgi toplumu-eitim yeni kimlikler-II: Bilgi toplumu ve eitimde yeni kimlikler. Ankara Üniversitesi Eitim Bilimleri Fakültesi Dergisi. ۳۲, (۱-۲), ۳۴۱-۳۵۰.
۱۹. Pongratz, E.M. (۲۰۱۵). Lifelong learning in young adult literature. Unpublished doctorate thesis, The Pennsylvania State University. Proceedings of Selected Research and Development Presentations at the ۱۹۹۷ National Convention of the Association for Educational Communications and Technology.
۲۰. Reinsch, E. (۲۰۰۷). The relationship among lifelong learning, emotional intelligence and life satisfaction for adults ۵۵ years of age or older.Unpublished doctorate thesis, University of Illinois.
۲۱. Richardson, P.L.&others. (۲۰۱۸). Lifelong learning and public policy. Washington:D.C.U.S.Government Printing Office.
۲۲. Yurdabakan,I. (۲۰۱۸). Küreselleüme konusundaki yaklaşımlar ve eitim. Eitim Araúırmaları ۶: ۶۱-۶۴.